

مطلبی را که در زیر از نظرتان می‌گذرد، ترجمه مقاله ای به قلم آقای جون و من است که در روزنامه آفتون بلاد، در صفحه فرهنگی، در تاریخ ۱۷ اکتبر به چاپ رسیده است. همه چیز غیر ممکن است

جان و من (Jon Vema) قهرمانان دروغین آمریکای لاتین را بررسی میکند.

آمریکای لاتین در بیست سی ساله اخیر به میدانی بزرگ برای آزمایش و امتحان پس دادن برنامه ی اقتصادی تبدیل شده است که ازطرف صندوق بین امللی پول اعلام شده است، این برنامه اکنون داردمفید بودن و یا نبودن خود را در عمل به اثبات میرساند. نسخه ایکه از طرف عده ای از ایلت دانشگاهی غرب نیز برای توسعه این قاره و دیگر نقاط باصطلاح جهان سوم پیشنهاد شده است. در این جا ما می توانیم به مطالعه ترندهای جهانی اقتصادی و اجتماعی بپردازیم که در اصلی ترین نمونه خود پیاده شده و می تواند بینشی بدست بدهد برای کشورهای دیگری که در دیگر نقاط دنیا خواهان پیمودن چنین راهی می باشند. نتیجه این برنامه اقتصادی به طور واقعی فاجعه آمیز بوده است ولی در هرصورت نه به این علت که ایلت محلی نتوانسته است این مدل اقتصادی را به خوبی بشناسد و پیاده کند بلکه آنها در واقع برطبق راهنمایی رئیس صندوق بین المللی پول آقای هورست کولر (Horst Koler) عمل کرده و کاملاً اعمال ایلت محلی با دستورالعمل های آقای رئیس توافق دارند. آقای هورست می گوید که: « راه بر طرف کردن، مشکل آمریکای لاتین نه رفورمهای بیشتر بلکه بر عکس رفورمهای کمتر می باشد»

در شرایطی که افکار عمومی به درستی در منطقه برعلیه نئولیبرالیسم است، آنها در جهت پیش بردن و پیاده کردن هر چه بیشتر، برنامه های نئولیبرالیستی می باشند. هم اکنون دو استراتژی در ظاهر متفاوت و در باطن یکسان به موازات هم در این قاره پیاده شده و یادار حال پیاده شدن کامل هستند.

در کلمبیا آلوارو اوربیز کوششش می کند که عموم مردم را با یک اطمینان مخصوصی به فریید « آینده آمریکای لاتین در گرو مبارزه بر علیه تجارت مواد مخدر و تروریسم است.» به گفته او سازمانهای چریکی فارک (FARC) و ال ن (ELN) را باید ریشه کن کرد و متحدین

آنها را که می توان در جاهای غیرمنتظره ای مانند سازمانهای غیر دولتی (NGO) ولی نه همه ی آنها بلکه منتقدین به دولت و اتحادیه های کارگری مبارز پیدا کرد، می باید که زیر فشار گذاشت. البته هرچه بمبهای بیشتری منفجر شوند، هرچه انسانهای بیشتری کشته گردند، هر چه بیشتر کشور نا امن تر بشود همان قدر بیشتر این سیاست دوگانه و متناقض قویتر شده و زمینه برای پذیرش پیام آقای رئیس جمهور **آلوارو اوربیز** مهیا تر می شود.

آقای **آلوارو اوربیز** با این وجود که خیلی کم به قولهایی که داده بود توانسته است عمل نمایندگی در واشنگتن از احترام خاصی برخوردار می باشد و او را رئیس پنتاگون **دونالد رامسفلد** در آگوست امسال به مرد نمونه تمام منطقه ملقب مفتخر نمود. یکی از قولهای او نابودی سازمانهای چریکی و بویژه فارک می باشد. اما به گفته خود مقامات بالای دولتی تعداد چرکهای سازمان فارک از زمان شروع حملات تعرضی ارتش **اندکی کمتر** شده ، گفته می شود که افسران عالی رتبه او علاقه مندی بیشتری به کشف و ضبط مواد مخدر و سپس فروش نشان می دهند تا مبارزه با یک نیروی کاملاً مسلح چریکی- ولی **اوربیز** از پشتیبانی وسیعی برخوردار است و یکی از اندک رئیس جمهورهای آمریکا لاتین است که برنامه خصوصی سازی (نفت، ارتباطات تلفنی هر چند موقت) را قادر شده با موفقیت پیش ببرد. ولی باید اشاره کرد در یک مسئله شانس با اوربیز نبوده است و مدرک خوبی وه نمی تواند نصیب او کند، و آن اینکه سیاست اقتصادی خوب پیش نرفته است ولی خوب دیگر: **کشورش در حال جنگ می باشد** تاکتیک می تواند اشکال داشته باشد!!

رئیس جمهور بولیوی **سانچزد لوزاداچند** گروه قبلاً ناشناخته چریکی را با پیوندهایی با جنبش های اجتماعی این کشور کشف کرده است. برنامه های سخت گیرانه او به طرف خودش برگشتند و هم اکنون شرایطی نزدیک به یک جنگ داخلی گلوی او را می فشارد. (البته دو روز پیش از شروع ترجمه این مقاله ایشان بعد از کشتار ۸۰ نفر از مبارزین متعرض به سیاست های نئولیبرال و ضد انسانی اش و بویژه فروش گاز، مجبور به استعفا و فرار از کشور به منطقه امن در آمریکای شمالی یعنی میامی شد)

یک متد کاملاً متفاوت دیگری هم در این قاره برخلاف **جریان عمومی!** بوسیله کسانی چون **نستور کیوکنر** در آرژانتین (Nestor Kirchner) ، رئیس جمهور برزیل « **لولا** د **سیلوا** و در

اکوادور **لوسیوکوتیرز** که بعنوان نسل جدیدی از سیاسیون مترقی، مردمی و با اندیشه چپ شناخته شده اند، پیش می رود.

فرق این نسل باصطلاح از اندیشه مندان چپ با کسانی چون آوارو اوریبز در این است که اینها توانسته اند انسانهای والا و روشنفکر را هم در منطقه و هم در سطح بین المللی افسون خود نمایند. انسانهایی که دردورو بر سازمان اتک و نشریه لوموند دیپلوماتیک فرانسه جمع شده اند. مثلا نوام چامسکی لولا را چنین وصف می کند: « **لولا رئیس جمهور واقعی طبقه کارگر، کشاورزان فقیر و سازمانهای مدافع حقوق بشر می باشد... یک انسان واقعا جالب** ». کیرکنر به نوبه خودش تحسین کننده ای چون یوسف ستیگ لیتز (Joseph Sttie'litz) برنده جایزه نوبل و منتقد صندوق بین المللی پول را دارد.

چه اعمالی این «رئیس جمهوران با اندیشه چپ» انجام می دهند اقداماتی که بلند پروازیهای مترقیانه ، باریک بینی غیرقابل توصیف، وصف می شوند درعمل چیز مترقیانه ای به چشم نمی خورد تا انسان به روشنی قادر باشد آنها را ببیند و بداند که مترقی بودن این برنامه ها و اقدامات در کجا ست؟

مثلا در مورد کیرکنر که ایدوتولوگ دولتش برنامه اقتصادی او را « نئو کنیزسیم می نامد... نو بودن در این جا سیاستی است که در عمل بدون کسری بودجه می باشد». با یک نگاه به اوضاع اقتصادی آرژانتین در می یابیم مفهومی از نئوکنیزسیم در آن پیدا نمی شود. معلا به جای قطع ارتباط با صندوق بین المللی پول کیرکنر برنامه ی «مذاکره سخت» را پیشنهاد و معرفی کرده است، که سازمان را وادارد که علنا از خود انتقاد نماید، پرداخت وامهای دولت را خیلی ملودرامیک و در زمانهای لرزان پردازد و هم زمان این امید را بوجود آورد که صندوق بین المللی پول به «آرژانتین گوش فرا دهد»، «انتقاد از خود کند»، « از اشتباهات گذشته ی خود درس بگیرد».

بعد از علنی کردن این برنامه، او با این سازمان سرمایه ی داری بین المللی قراردادی را امضا نموده است که به شیوه ای اورتودوکسی سیاست نئولیبرالی را ادامه دهد، مقدار پرداختی قرضهای دولتی به اندازه ای که هیچ دولت قبلی آرژانتین نپرداخته است، پردازد. در برزیل حزب دولتی دراستراتژی اقتصادی خود در باره « **یک شانس بزرگ تاریخی** ... بوجود آوردن عدالت اجتماعی» صحبت می کند و تشریح می کند که بدون هیچ دغلبازی فروتنانه ای در پی اجرای برنامه ای است که زمینه را برای یک چپ جدید جهانی مهیا

کند.» و حال پرسیدنی است که چگونه به این بلند پروازها خواهد رسید؟ «با شهامت و مصمم، دولت اقدامات عاجل و ضروری را بعمل آورد حتی اگر این اقدامات سخت باشند» برای اینکه اقتصاد روی ریل بیفتد و بویژه «اطمینان کشورهای خارج برای سرمایه گذاری در برزیل حاصل شود.» بغیر از این لولا در نظر دارد که رکورد پرداختی قرضهای خارجی را بشکند، یعنی ۴،۲۵٪ از تولید ملی را به این کار اختصاص دهد، به شرکتهای خصوصی شده اجازه دهد که جدول قیمتی خود را بالا ببرند، از بودجه کمک های اجتماعی بزند. اگر فقط مردم بتوانند این «داروی تلخ و گس» را قورت دهند، تولیدات رشد می کند و برنامه ضد فقر، سوسیالیسم لیبرالی را می توان آفرید و تامین مالی نمود.

رئیس جمهور به ضدیت و مقاومت مردمی که در برابر سازمان جهانی تجارت (WTO) و قرارداد آزادی تجارت (FTAA) در کشور وجود دارد گوش فراداده و آنرا ارج می نهد برای اینکه سپس در خفا آنرا تنزل بدهد به این شرط: **برای صنایع صادراتی برزیل در بازار کشورهای صنعتی فرصت بهتری پیدا کند. همچنین لولا طناب یک «نظم جدید جهانی» را در دست گرفته است و آن بدین قرار است که او در کنفرانس (Davos) از مردان تجارت و اقتصاد و سیاستمداران غربی درخواست نموده است که یک صندوق جهانی بر علیه فقر تشکیل دهند، باید گفت به **گدایی** پرداخته است. جمس پتراس (James Petras) محقق آمریکای لاتین برای اینکه نظر بانگداران و کاربدستان اقتصادی والستریت را در مورد دولتهای آمریکای لاتین بداند یک سری مصاحبه با آنها انجام داده است. دولت برزیل در بالا ترین پله ی محبوبیت قرار دارد. این علاقه مفرط بانگداران والستریت را دولت **لولا** این چنین تکمیل کرده است که توانسته با فریب مردم و کنترل بر افکار عمومی «یک سیاست اقتصادی نولیبرال طالبانی را پیاده کند» و هیچگونه اعتراضی را برنیانگیزد.**

تایمز مالی از قول وزیرداری آلمان آقای لوک و سر (Koch Weser) چنین می نویسد «کلید این موفقیت در این جاست که برنامه های رفورم به رئیس جمهور (لولا) یاری و مساعدت داده اند که از اعتماد عمومی برخوردار شود.

نستورکیکنر چنین مدرکی را از آمپیتو فینانسیروی آرژانتین (برنامه ریزی اقتصادی) در یافت کرده است. او (کیکنر) این لیاقت را از خود بروز داده است که مردم را وادار به پذیرش آنچه را که هیچ رئیس جمهور دست راستی نمی توانست فکرش هم را بکند، نماید. ... برای اولین بار مادر تاریخ با رئیس جمهور چپی روبرویم که چنین سیاست جدی اقتصادی را

پیش می برد.»

پتراس جمع بندی می کند: « فراهم آوردن شرایط بهتر مالکیت خصوصی..... جا انداختن و متحد شدن چپ مرکز در یک مدرک مثبت.. قضاوت دنیای تجارت بر یک رفتار واقعی بنیاد گذاشته شده است، چپ مرکز سیاست خود را برای ایجاد انتظارات بی اساس ویا توهم زا و فریب دهنده نهاده است.»

سخنرانی **لولا** در گردهم آیی فوروم اجتماعی جهانی در مقابل ۱۰۰ هزار شنونده مشتاق و تشویق کننده، پر بود از قولهای نا روشن و Floskler فریبنده. او روی به جمعیت می کند و می گوید: « همه شمایی که به علت ندانستن زبان نمی فهمید که من چه می گویم به چشمان من نگاه کنید، درخشش چشمانم معنی سخنانم را برای شما باز گو می کند» اما در این جا روشن ترین مفهوم فلسفه او نهفته است « ما فقط چیزی را که می توانیم انجام دهیم، انجام می دهیم چیزیکه ما قادر به انجام آن نیستیم.... غیر ممکن است. »

چپ نو قول میدهد آنچه را که ممکن است بر علیه فقر، بینوایی و ناامیدی انجام دهد بعد از اینکه توضیح داده است که چه چیزی غیر ممکن است.

غیر ممکن است که قرضهای کشورهای خارجی را به دور اندازیم، بدون در نظر داشتن اینکه در اصل آنها چقدر غیرقانونی و نامشروع بوده باشند؛ غیر ممکن است که به مالکیت خصوصی دست بزنیم، بدون در نظر گرفتن اینکه چقدر خصوصی شدن با رشوه خواری و دزدی همراه برده است؛ غیر ممکن است که ما بازار اقتصادی جهانی را راضی و خشنود نکنیم؛ بدون در نظر گرفتن اینکه چقدر نتایج فاجعه آمیزی به بار می آورد.

Jon Weman

تاریخ چاپ ۱۰-۱۷-۲۰۰۳

آفتون بلادت - سوئد

برگردان

حمید قربانی

۱۹-۱۱-۲۰۰۳